



تبیین و بررسی زندگانی و خدمات خاندان قائم مقام فراهانی

علی قنبریان^۱ / امین قزلباشان^۲

چکیده

از خاندان‌های سرشناس دوره قاجار می‌توان از خاندان قائم مقام فراهانی نام برد. این خاندان متعلق به استان مرکزی است. خاندان قائم مقام اصالتاً فراهانی بوده و برخی از اعضای این خاندان، به خاطر مشاغل دولتی که داشتند، در تبریز، مشهد، و تهران ساکن شده‌اند. خدمات این خاندان منحصر به حکمرانی نبوده و برخی از شخصیت‌های این خاندان علاوه بر منصب و ریاست دنیوی، در علم و فرهنگ و کمک به نیازمندان جامعه از طریق وقف اموال، نیز خدماتی داشته‌اند. در این مقاله زندگانی چهار شخصیت برجسته این خاندان واکاوی شده است: میرزا عیسی دوم (میرزا بزرگ قائم مقام)، میرزا ابوالقاسم فراهانی، موسی بن عیسی حسینی فراهانی، و ادیب الممالک. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و با شیوه تبیینی - تحلیلی، مطالب پردازش شده است. این مقاله دارای ۷ تصویر و سند می‌باشد که شماره‌گذاری شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: قائم مقام، فراهان، تاریخ قاجار، وقف.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱. پژوهشگر پسادکتری فلسفه اخلاق دانشگاه تهران Ali.Ghanbarian@alumni.ut.ac.ir

۲. پژوهشگر مستقل تاریخ خاندان گرجی تبار باراناشوبلی در ایران AminGhezelbashan@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۳

۱. خاندان‌شناسی قائم‌مقام

این خانواده از سادات روستای هزاوه در منطقه فراهان ایران بودند. (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۶) و نسبشان به حضرت زین‌العابدین[×] منتهی می‌شود. هزاوه یکی از روستاهای شهرستان اراک در استان مرکزی ایران است و فراهان نیز یکی از شهرستان‌های استان مرکزی با مرکزیت شهر اراک در ایران است. در کتاب عصر جعفری آمده است حسن افطس پنج پسر داشته: عبدالله شهید، علی، عمر، حسین و حسین مکفوف. عبدالله شهید به دست هارون الرشید مقتول شده و حسین مکفوف جد سادات هزاوه فراهان است که خاندان قائم‌مقام از آن‌هاست (سحاب، ۱۳۲۸: ۶۲). این خاندان از دوره صفویه به صورت موروثی در امور دیوانی حکومت‌های ایران مشارکت داشته‌اند (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۶).

سرسلسله این دودمان شخصی است به نام میرابوالفتح مشهور به مَهردار که به روایتی چون در عصر صفوی می‌زیست، او را از مَهرداران سلاطین صفوی دانسته، و به روایتی دیگر چون مَهر حضرت امام سجاده^{*} در آن خانواده نگهداری می‌شد، به مَهردار مشهور است (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۸۲) اصل مهر آن حضرت الآن در خاندان سادات حسینی فراهانی و خانواده قائم‌مقام موجود است که مردم محض تیمن و تبرک به آنجا رفته و آن مهر مبارک را بر روی کاغذها زده در منازل خود نگاه داشته، حرز جوادتن می‌دانند و گاهی آن را در آب شسته به بیمار می‌دهند که شفا یابد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۴۶).

از میرابوالفتح یک پسر معلوم است به نام میرزا عیسی [اول] که دو پسر داشت، یکی به نام حاج میرزا محمدحسین وفا که در زمان زندیه به سه پادشاه زند خدمت کرد و وزیر کریم خان زند گردید (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۶-۳۷۷). وی که ادیب و شاعر بود سه پسر و یک دختر داشت. پسرانش حاج محمدحسین، میرزا محمدحسن، میرزا علی، و دخترش نیز خانم آغا نام داشتند. (آغا= در زبان تُرکی به معنای خاتون است. بی‌بی، سیده، بانو، بیگم، خانم، به معنای خاتون است). فرزند دیگر میرزا عیسی [اول]، میرزا حسن فراهانی بود که او نیز پسری داشت به نام میرزا عیسی [دوم]، مشهور به میرزا بزرگ قائم‌مقام و سیدالوزراء که نویسنده بود. وی نزد دایی خود که از افراد برجسته دربار کریم خان زند بود، تربیت و در عصر قاجار مورد توجه فتحعلی شاه قرار گرفت و از سال ۱۲۱۳ق مقام وزارت عباس میرزا نایب‌السلطنه را در آذربایجان عهده‌دار شد. وی بعد از وزارت آذربایجان (تبریز) لقب قائم‌مقام صدارت کبرا گرفت. از همان زمان به بعد این لقب به سایر اعضای خانواده او نیز منتقل شد (رمضانی، ۱۳۸۲: ۸-۱۰).

همین میرزا بزرگ بود که آداب سلطنت و ریاست را از طفولیت به عباس میرزا آموخت و در حقیقت باید گفت صفات حسنه‌ای که شایسته بزرگان و ملوک است و امروز عباس میرزا به آنها مشهور است، از تربیت میرزا بزرگ است که در نهاد او سپرده و به حد کمال رسانید (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۶-۳۷۷). میرزا عیسی [دوم] دانشمندی ادیب و شاعر بود که از جمله خدماتش، همانا همکاری با عباس میرزا در فرستادن محصل و هنرآموز به انگلستان برای آموختن بعضی علوم و صنایع جدید بود (محدث‌زاده و عباسی، ۱۳۸۴: ۴ / ۳۱۸). ایشان دو همسر اختیار کرد، یکی دختر عمویش حاج میرزا محمدحسین وزیر، به نام خانم آغا که از وی سه پسر به نام‌های میرزا حسن، میرزا ابوالقاسم و میرزا معصوم متخلص به



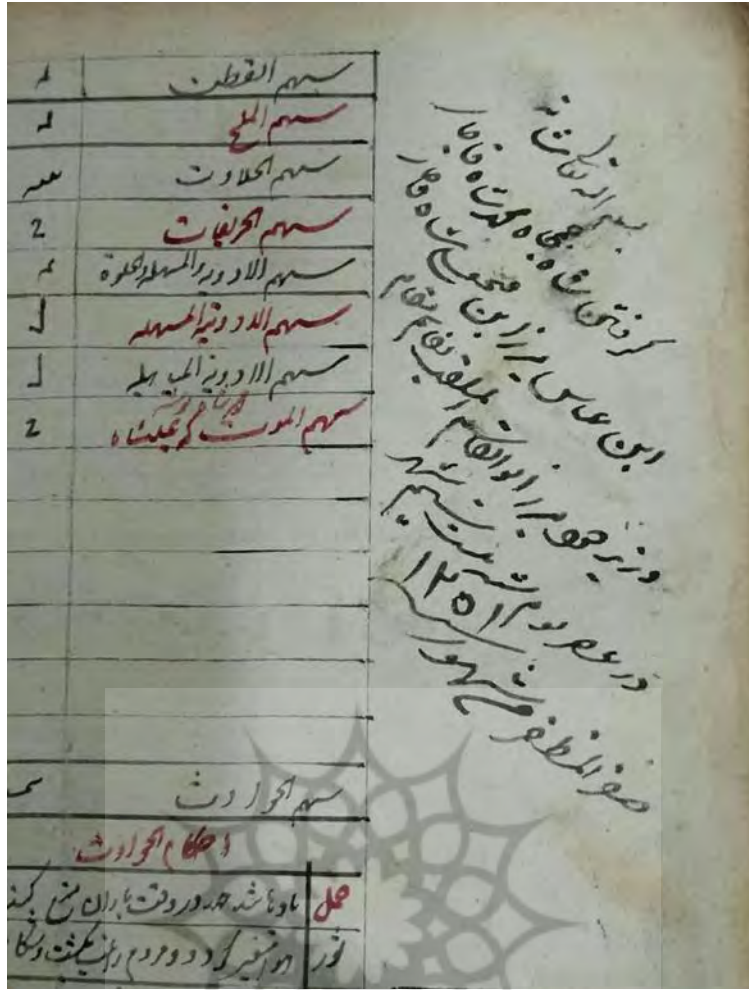
محیط متولد شدند. میرزا معصوم شاعر بود و نیای ادیب الممالک است. و میرزا حسن نیز وزیر دستگاه عباس میرزا گردید. همسر دیگرش زنی از ترک‌های آذربایجان بود که از او نیز یک پسر به نام میرزا موسی و یک دختر به نام حاجیه (حاجیه ماه تاج بیگم) متولد گردیدند (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۸ و ۳۸۳).

۲. میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی

با همه این اوصاف، مشهورترین فرزند میرزا عیسی [دوم]، همانا پسر دومش یعنی میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی [دوم] است. وی متولد ۱۱۵۸ شمسی در روستای مهرآباد اراک و درگذشته ۱۲۱۴ شمسی در تهران است. ادیب، شاعر و متخلص به ثنائی بود. او پس از درگذشت پدر به منصب قائم مقامی رسید و در دربار عباس میرزا نایب السلطنه، مصدر کارهای بزرگی شد. وی کسی بود که پس از فوت فتحعلی شاه قاجار، محمد شاه را به تهران آورد و با حسن تدبیر و لیاقتش او را به تخت سلطنت نشاناند و خود نیز مشغول سرکوب شورش‌ها و آرام کردن اوضاع گردید. او که در حوزه ادب، بیشترین شهرتش در نثر است تا نظم، در نوشته‌هایش از سبک گلستان سعدی پیروی می‌کرد. از ویژگی‌های نثر میرزا ابوالقاسم می‌توان به کوتاهی جملات، صراحت لهجه، ترک استعاره و همچنین آهنگین بودن جملات اشاره کرد (محدث‌زاده و عباسی، ۱۳۸۴: ۴ / ۳۱۷).

میرزا ابوالقاسم که پدر و مادرش از طبقه تحصیل کرده و با سواد بودند، پس از آموختن سواد فارسی، به تحصیل صرف و نحو، معانی و بیان و عروض، حکمت الهی، طبیعی، ریاضی، کلام، تفسیر و اخلاق پرداخت و به‌زودی در بسیاری از فنون به‌ویژه در املاء و انشاء فارسی و حسن خط و سیاق تعالی پیدا کرد. او که در پانزده سالگی زیر نظر پدرش در دستگاه آقا محمد خان قاجار وارد شده بود، به‌زودی در امر کتابت چنان توانا گردید که امروزه نامه‌های وی را به‌عنوان زیباترین و مهم‌ترین اسناد تاریخی و ادبی دوره قاجار می‌شناسند (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۸).

میرزا ابوالقاسم مدتی به عنوان مستوفی امور مالیاتی خدمت کرد، اما پس از درگذشت برادر بزرگترش یعنی میرزا محمدحسن که وزیر عباس میرزا بود، به دستور پدر جانشین برادر گردید. میرزا ابوالقاسم کسی بود که به‌واسطه لیاقت از سوی عباس میرزا برای مذاکره با روس‌ها بر سر جنگ‌های دو کشور به روسیه رفت. ایشان پس از درگذشت پدر، لقب قائم مقامی او را دریافت کرد، و به وزارت عباس میرزا نیز منصوب گردید. وی که مردی دانشمند و واقف به مصطلحات و اصول علم عصر بود، هم در ادبیات عرب و هم در ادبیات عجم احاطه داشت (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۸). میرزا ابوالقاسم قائم مقام، مدتی نیز در منصب اتابکی اعظم بود (اعتضادالسلطنه، ۱۳۹۵: ۳۹۸). (توضیح: اتابک= وزیر بزرگ، مربی شاهزادگان).



تصویر شماره ۱

«بسم الله تعالى شأنه

گرفتند شاه قاجار، محمد شاه قاجار ابن عباس میرزا بن فتحعلی شاه قاجار

وزیر خود میرزا ابوالقاسم الملقب بقائم مقام:

در عصر یوم شنبه بیست [و] سیم شهر صفر المظفر من شهر ۱۲۵۱»

نسخه از مجموعه خصوصاً استاد علی اکبر صفری



این مرد فاضل خدمتگزار را به گناه حق گوئی در صفر ۱۲۵۱ قمری به امر محمد شاه دستمالی در حلقش فروبرده و او را خفه کردند. تا هرگز زبان به انتقاد نگشاید و با نیش قلم دل نازک مستبدان و ستمگران را نیازارد (بامداد، ۱۳۷۱: ۶ / ۱۵۲).

۲ / ۱. میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی و میرزا موسی وزیر

میرزا موسی مستوفی تفرشی متولد سال ۱۱۹۸ قمری (بامداد، ۱۳۷۱: ۴ / ۱۶۴-۱۶۵) پدر میرزا عیسی وزیر و سیدعبدالله خان انتظام السلطنه است. در سال ۱۲۶۳ قمری که ناصرالدین میرزا، ولیعهد، به حکمرانی آذربایجان تعیین می شود، میرزا موسی سمت مستوفی کل، پیشکار دارایی، را بر عهده می گیرد. میرزا موسی در مجلسی که از علما و رجال برای مناظره و مباحثه با سیدعلی محمد باب در حضور ولیعهد در همین سال تشکیل می شود نیز حضور داشته است.

در سال ۱۲۶۴ قمری که ناصرالدین میرزا، پادشاه و میرزا تقی خان صدراعظم شد، اسکندر میرزا، پسر ششم عباس میرزا نایب السلطنه، به وزارت و پیشکاری میرزا موسی به حکومت قزوین منصوب گردید. (بامداد، ۱۳۷۱: ۴ / ۱۶۴ به نقل از: مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱: ۹۶). داریوش شهبازی وزارت میرزا موسی در قزوین را، سال ۱۲۶۹ شمسی دانسته است (شهبازی، ۱۳۹۷: ۱ / ۱۸۹). در سال ۱۲۶۹ قمری که ناصرالدین شاه قصد مسافرت به خارج از تهران برای تفریح و گردش های طولانی داشت و معین الدین میرزای ولیعهد، کودک شیرخواره را، در تهران گذاشت، میرزا موسی را به وزارت (معاونت) حکومت تهران منصوب کرد. از این تاریخ به بعد بود که میرزا موسی معروف به وزیر شد (شهیدی، ۱۳۸۳: ۴۰۸).

درباره ارتباط نسبی بین قائم مقام فراهانی و میرزا موسی وزیر، به ۲ نظریه دست یافته ایم. در اینجا هر دو نظریه را مطرح می کنیم. اثبات یا رد آن ها نیاز به جست و جو و تحقیق در منابع تاریخی دارد:

الف) قائم مقام فراهانی با میرزا موسی وزیر باجناب است. همسرشان خواهر میرزا یوسف مستوفی الممالک، صدراعظم ناصرالدین شاه ملقب به جناب آقا است. این ایده را استاد صادق حضرتی، در کتاب رجال و مشاهیر آشتیان، ص ۱۲۱ مطرح کرده است.

در کتاب «سیاستگران دوره قاجار» چنین آمده است: میرزا حسن یک پسر به نام میرزا یوسف داشت و سه دختر که یکی همسر میرزا عیسی وزیر دفتر، دیگری همسر قائم مقام فراهانی، و دیگری همسر میرزا هدایت الله وزیر دفتر گردیدند (حضرتی آشتیانی، ۱۳۹۹: ۲۶۷-۲۶۸؛ ساسانی، بی تا: ۱۴۹).

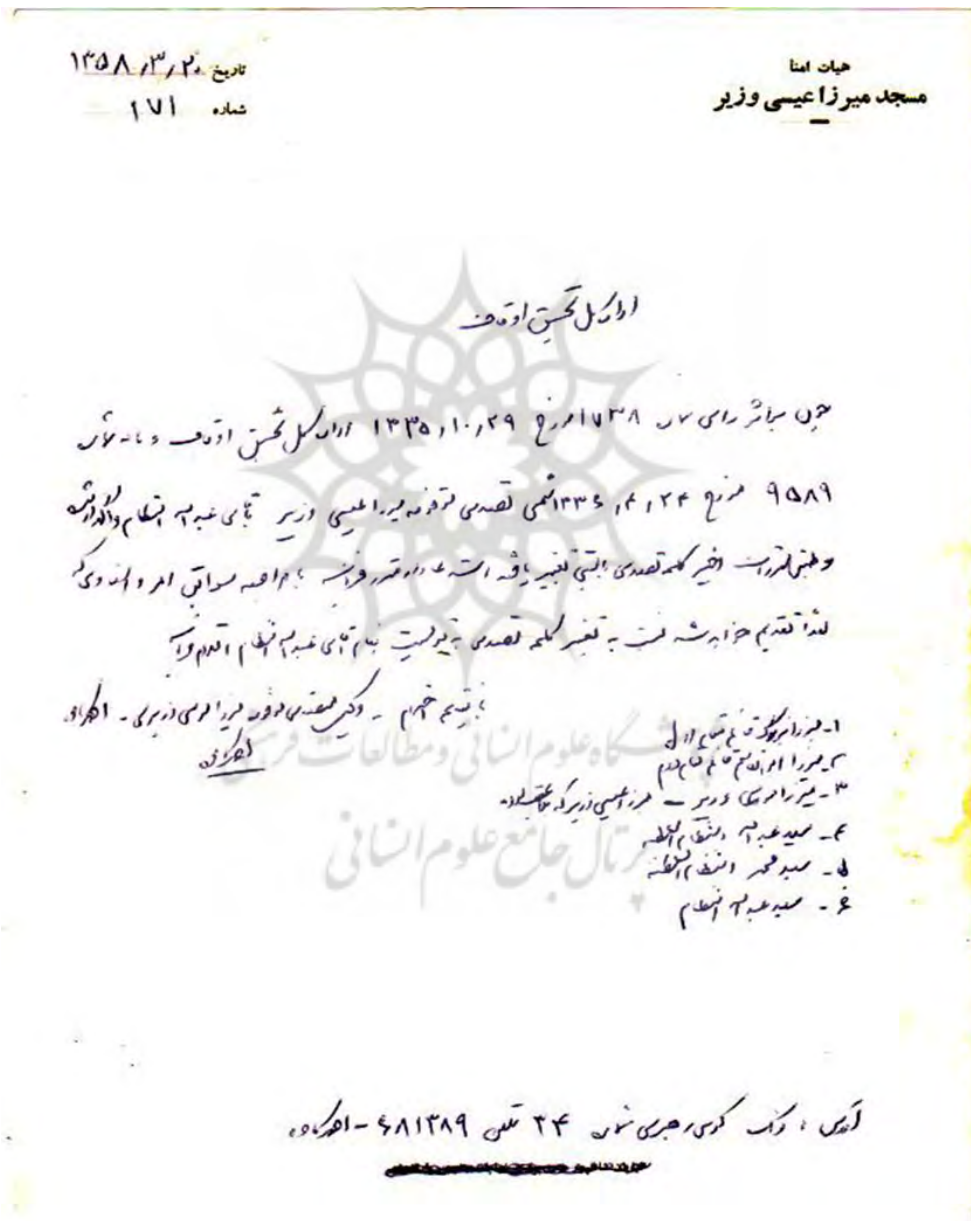
ب) میرزا موسی وزیر فرزند میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی است. نظریه دوم بنابر اسنادی است که از خاندان وزیری باقی مانده و هم اکنون نزد آقای منصور رشیدی است.

سند اول: سندی است که در تاریخ ۱۳۵۸/۰۳/۲۰ شمسی از طرف وکیل سیدعبدالله انتظام وزیری، آقای احمد کاوه، به سازمان اوقاف نوشته شده است.

پایین سند نام پدر و اجداد سیدعبدالله انتظام‌وزیری نوشته شده است. بنا بر گفته آقای منصور رشیدی، متن پایین سند، دست‌خط سیدعبدالله انتظام‌وزیری است. سیدعبدالله از دولتمردان پهلوی اول و دوم بوده و مناصب مختلفی همچون وزارت امور خارجه را بر عهده داشته است. در پایین سند چنین آمده است:

«۱. میرزا بزرگ قائم‌مقام اول ۲. میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام دوم ۳. میرزا موسی وزیر— میرزا عیسی وزیر که بلاعقب بوده ۴. سیدعبدالله انتظام‌السلطنه ۵. سیدمحمد انتظام‌السلطنه ۶. سیدعبدالله انتظام»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این سند، سلسله نسب به ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی که در زمان محمدشاه قاجار صاحب‌منصب بوده، رسیده است.



تصویر شماره ۲
دست‌خط سیدعبدالله انتظام‌وزیری در پایین سند

سند دوم و سوم: مربوط به قاب عکس هایی است که در ذیل آن ها اشاره به رابطه پدر و پسری بین میرزا ابوالقاسم و میرزا موسی شده است.



تصویر شماره ۳

این قاب عکس تصویر میرزا ابوالقاسم است و در خاندان وزیری نگه داری می شود.

ذیل آن نوشته شده است:

«میرزا ابوالقاسم قائم مقام پدر میرزا موسی»



تصویر شماره ۴

این قاب عکس تصویر میرزا موسی وزیر است و در خاندان وزیری نگه‌داری می‌شود.

ذیل آن نوشته شده است:

«میرزا موسی وزیر، پسر میرزا ابوالقاسم خان قائم مقام

دائی میرزا عبدالله وزیر قزوین»

۲/۲. فرزندان و نوادگان میرزا ابوالقاسم قائم مقام

اولاد وی سه پسر به نام‌های میرزا محمد وزیر که وزیر امور داخله و خوشنویس بود، میرزا علی (قائم مقام سوم) وزیر امور خارجه، مستوفی خراسان، و همچنین خوشنویس بود و همسرش دختر میرزا مهدی خان ملک‌الکتاب رئیس دفتر فتحعلی شاه قاجار بود، و پسر دیگر میرزا ابوالقاسم نیز میرزا ابوالحسن خان نام داشت (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۹)

که سروان قشون بود، ۳. حاج میرزا فضل‌الله خان، ۴. حاج میرزا علی‌اکبر خان، ۵. میرزا ابوالفتح خان نیای دکتر جهانگیر قائم‌مقامی (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۹-۳۸۰) دکتر جهانگیر قائم‌مقامی نیز، نویسنده، روزنامه نگار و مترجمی بود که ابتدا در فنون نظامی تحصیل کرد و سپس دکترای تاریخ از فرانسه گرفت. او که ناشر مجله بررسی‌های تاریخی بود، در کشورهای پرتقال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی پرداخت و مجموعه ارزشمندی گردآوری کرد. وی از متخصصان رشته تاریخ عصر قاجار محسوب می‌گردد (محدث‌زاده و عباسی، ۱۳۸۴: ۴ / ۳۱۸). سید مصطفی فرزند میرزا موسی خان نیز سه پسر داشت به نام‌های سیدشمس‌الدین، سیدنظام‌الدین خان (رئیس ثبت خمین و تفرش)، و سیدعبدالمجید خان (رئیس دبیرستان قائم‌مقام تهران) که نویسنده نیز بود (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۸۰).

۳. موسی بن عیسی حسینی فراهانی

موسی بن عیسی حسینی فراهانی متولد ۱۲۲۰ قمری است. وی برادر کوچک‌تر میرزا ابوالقاسم (هدایت، ۱۳۷۳: ۴۳۱-۴۳۲) و چهارمین فرزند میرزا عیسی است. وی داماد فتحعلیشاه بود. میرزا موسی بلاعقب و از مردان بنام و در تواریخ آل قاجار دارای مقام بوده است.

پس از مرگ پدرش در سال ۱۲۳۷ قمری، در سن هفده سالگی، به وزارت عباس میرزا رسید. او تا سال ۱۲۴۶ یا ۱۲۴۷ قمری در این مقام باقی ماند و احتمالاً زندگی خود را بیشتر در تهران و تبریز سپری کرد. در این ایام به خواست خود از مشاغل دولتی استعفا داد اما فتحعلی شاه قاجار وی را برای اداره امور آستان مقدس حضرت رضا به عنوان اولین متولی رسمی عصر قاجار برگزید (سوهانیان حقیقی و نقدی، ۱۳۹۷: ۷۱). به این سبب به متولی معروف شد. ایشان یکی از بهترین متولیان باشی‌های آستان قدس رضوی بوده و در مدت چهارده سال تولیت خود، اصلاحات زیادی در اداره امور موقوفات آستان قدس به عمل آورده است. وی موقوفات آستانه را که در آن ایام به تصرف دیگران درآمده بود، پس گرفته، طبق طومار علیشاهی مصارف آن را مشخص ساخت؛ به طوری که بنا به گفته محمدتقی خان سپهر، نام او در جهان تذکره گشت (جلالی، ۱۳۸۷: ۳ / ۱۸۹).

میرزا علی که در سال ۱۳۰۰ (ه. ق) به فرمان ناصرالدین شاه قاجار به قائم‌مقام ملقب گردید، شاعر بود و اشعارش نیز به چاپ رسیده است. او وزیر استیفاء [=منصب مستوفی‌گری] بود و پنج پسر داشت به این اسامی:

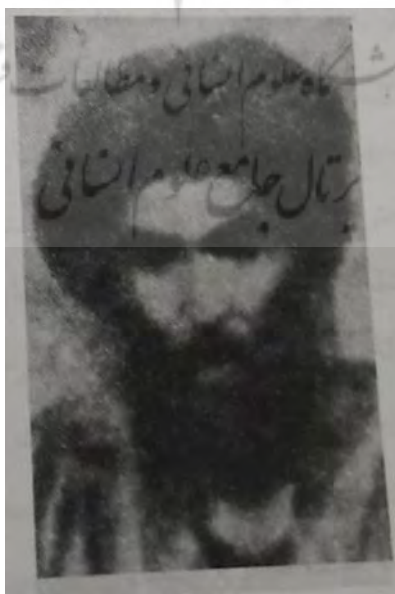
۱. میرزا علی محمد خان معروف به سیدالوزراء (پدر سیدعبدالوهاب خان نویسنده مقدمه دیوان قائم‌مقام)، ۲. میرزا موسی خان ملقب به میرزا بزرگ دوم و معروف به قائم‌مقام چهارم که خود نویسنده بود و سه پسر داشت به نام‌های میرزا عبدالغنی، سیدمصطفی معاون الوزراء که ادیب و رئیس عدلیه خراسان بود و همچنین سیدمرتضی ملقب به ساعد حضور که سروان قشون بود، ۳. حاج میرزا فضل‌الله خان، ۴. حاج میرزا علی‌اکبر خان، ۵. میرزا ابوالفتح خان نیای دکتر جهانگیر قائم‌مقامی (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۹-۳۸۰) دکتر جهانگیر قائم‌مقامی نیز، نویسنده، روزنامه نگار و مترجمی بود که ابتدا در فنون نظامی تحصیل کرد و سپس دکترای تاریخ از فرانسه گرفت. او که ناشر مجله بررسی‌های تاریخی بود، در

کشورهای پرتقال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی پرداخت و مجموعه ارزشمندی گردآوری کرد. وی از متخصصان رشته تاریخ عصر قاجار محسوب می‌گردد (محدث‌زاده و عباسی، ۱۳۸۴: ۴ / ۳۱۸). سید مصطفی فرزند میرزا موسی خان نیز سه پسر داشت به نام‌های سیدشمس‌الدین، سیدنظام‌الدین خان (رئیس ثبت خمین و تفرش)، و سیدعبدالمجید خان (رئیس دبیرستان قائم‌مقام تهران) که نویسنده نیز بود (متشرعی، ۱۳۷۸: ۳۸۰).

۳. موسی بن عیسی حسینی فراهانی

موسی بن عیسی حسینی فراهانی متولد ۱۲۲۰ قمری است. وی برادر کوچک‌تر میرزا ابوالقاسم (هدایت، ۱۳۷۳: ۴۳۱-۴۳۲) و چهارمین فرزند میرزا عیسی است. وی داماد فتحعلیشاه بود. میرزا موسی بلاعقب و از مردان بنام و در تواریخ آل قاجار دارای مقام بوده است.

پس از مرگ پدرش در سال ۱۲۳۷ قمری، در سن هفده سالگی، به وزارت عباس میرزا رسید. او تا سال ۱۲۴۶ یا ۱۲۴۷ قمری در این مقام باقی ماند و احتمالاً زندگی خود را بیشتر در تهران و تبریز سپری کرد. در این ایام به خواست خود از مشاغل دولتی استعفا داد اما فتحعلی شاه قاجار وی را برای اداره امور آستان مقدس حضرت رضا^ع به‌عنوان اولین متولی رسمی عصر قاجار برگزید (سوهانیان حقیقی و نقدی، ۱۳۹۷: ۷۱). به این سبب به متولی معروف شد. ایشان یکی از بهترین متولی‌های آستان قدس رضوی بوده و در مدت چهارده سال تولیت خود، اصلاحات زیادی در اداره امور موقوفات آستان قدس به عمل آورده است. وی موقوفات آستانه را که در آن ایام به تصرف دیگران درآمده بود، پس گرفته، طبق طومار علیشاهی مصارف آن را مشخص ساخت؛ به طوری که بنا به گفته محمدتقی خان سپهر، نام او در جهان تذکره گشت (جلالی، ۱۳۸۷: ۳ / ۱۸۹).



تصویر شماره ۶
موسی بن عیسی حسینی فراهانی



از مهم‌ترین اقدامات میرزا موسی در حرم مطهر، علاوه بر احیاء موقوفات آن حضرت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تأسیس دارالشفای برای زائران و مجاوران حرم مطهر؛ ایجاد مهمان‌سرا و آشپزخانه برای اطعام زوار؛ احیاء سقاخانه طلای صحن کهنه و نظم دادن به کار سقاها برای تأمین آب آن و گذراندن نهر سناباد از داخل صحن؛ تأسیس مکتب‌خانه برای اطفال بی‌بضاعت و یتیم سادات علوی و پرداخت هزینه تحصیلی آنان و وقف موقوفاتی برای این کار؛ پرداخت هزینه سفر زائران بی‌بضاعت برای برگشت آنان به موطنشان؛ تعمیرات اساسی بقعه مطهر، گلدسته‌ها و رواق‌های متبرکه، صحن نو، و مسجد جامع گوهرشاد؛ ساخت دو در نقره برای حرم مطهر در سال‌های ۱۲۴۶ و ۱۲۵۲ق؛ تنظیم امور خدام، دربانان، حفاظ و مؤذنان و به کار گماردن افرادی در نقاره‌خانه و ایجاد پنج کشیک مطابق طومار علیشاهی؛ وقف منزل مسکونی خود در مشهد بر مصارف مقبره خود و وقف املاک و مستغلاتی در تبریز برای آستان قدس. حاج میرزا موسی قائم مقام فردی وارسته و مورد تحسین معاصرانش بود. محدث نوری در کتاب «دارالسلام» از وی با عنوان «الصالح الکامل صاحب المناقب و الفضایل» یاد کرده است (سوهانیان حقیقی و نقدی، ۱۳۹۷: ۷۱-۷۲). وی در شب چهارشنبه هجدهم ربیع‌الآخر ۱۲۶۲ در ۴۲ سالگی در مشهد درگذشت و در رواق دوم پشت سر حرم مطهر رضوی مدفون شد (بامداد، ۱۳۷۱: ۴/۱۶۵). با مرگ وی اوضاع آستان قدس دوباره دچار آشفتگی شد و فتنه سالار صدمات زیادی به آن وارد ساخت (سوهانیان حقیقی و نقدی، ۱۳۹۷: ۷۲). مسئول دفتر امور دفن در صحن آزادی حرم امام رضا به یکی از نگارندگان مقاله حاضر (علی قنبری‌ان) گفت که موسی قائم مقام در رواق دارالضیافه دفن است. خواهر میرزا موسی، حاجیه تاج ماه بیگم معروف به حاجی عمه بود. او ابتدا با شاهزاده ملک قاسم فرزند فتحعلیشاه ازدواج کرد که منجر به جدایی شد و املاک موقوفه آذربایجان در اثر خیرات حاجیه خانم است. گفتنی است که املاک موقوفه آذربایجان در اثر خیرات همین حاجیه خانم است (مشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۹).

آیت‌الله خامنه‌ای نسبتی با خاندان قائم مقام دارد. وی در شخصیت‌شناسی اجداد خویش به خویشاوندی‌اش با خاندان قائم مقام اشاره می‌کند:

«سلسله سادات حسینی تا جناب سیدقطب‌الدین، دو رشته می‌شوند: یک رشته، رشته سیدظهیرالدین و سیدفخرالدین است، معروف به میر فخر، که سلسله ماست. حضرت سیدفخرالدین جزو اجداد ماست که از اولاد قطب‌الدین‌اند. یک سلسله دیگر، یک شعبه دیگر از اولاد سیدقطب‌الدین، خانواده قائم مقام فراهانی هستند که آن‌ها هم بزرگانی بودند تا می‌رسند به میرزا عیسی و بعد میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، که آنها هم جزو همین سلسله سادات حسینی هستند. از قطب‌الدین سلسله ما، سادات تفرشی و منطقه تفرش و آشتیان و این‌ها از سلسله آن‌ها جدا می‌شوند. این‌ها بیشتر مرد علم و دیانت بودند، آن‌ها بیشتر مرد سیاست بودند و سیدفخرالدین که معروف به میرفخر است، نوه سیدفخرالدین، مرحوم سیدمحمدتقی است که پسر سیدمحمدتقی، جوانی است به نام سیدمحمد. از تفرش بلند می‌شود می‌رود به طرف آذربایجان. آنجا این سلسله می‌شوند خامنه‌ای. مرحوم سیدمحمد که از تفرش به خامنه رفته و در آنجا ساکن شده آن سید



تفرشی را در شهر خامنه نگه می‌دارد و پدر من که نوه سید محمد است از تبریز می‌روند مشهد، ما حالا از مشهد برگشتیم تفرش.» (سحاب، ۱۳۲۸: ۸۷).

۴. ادیب‌الممالک

از نوادگان میرزا عیسی، ادیب‌الممالک (۱۲۳۹-۱۲۹۶ش) است. پدرش حاج میرزا حسین، پدر بزرگش صادق و جدش میرزا معصوم نام داشته‌اند. میرزا معصوم شعر می‌سروده و «محیط» تخلص می‌کرده‌است. این میرزا معصوم، برادر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، وزیر ادیب و دانشمند مشهور محمدشاه است که به دست وی در نگارستان خفه شد. عبرت نائینی در «تذکره مدینه‌الادب» شجره کامل ادیب را به نقل از «تذکره قدسی» میرزا تقی خان دانش، سی و شش پشت به امام زین‌العابدین* می‌رساند. مادر ادیب دختر میرزا عبدالکریم و او فرزند میرزا حسن برادر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام دوم است. مادر بزرگ پدری ادیب‌الممالک فراهانی (یعنی همسر میرزا صادق) نیز دختر میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی فرزند میرزا عیسی [دوم] بود. ادیب‌الممالک مدیر و منشی روزنامه ادب، سردبیر روزنامه مجلس، و ناشر روزنامه عراق عجم، و برای مدتی سردبیر روزنامه دولتی بود. ایشان که مدتی نویسنده صفحه فارسی ضمیمه روزنامه ترکی ارشاد گردید، دیوان شعری بالغ بر بیست و پنج هزار بیت داشت (متشرعی، ۱۳۷۸: ۳۷۹).

میرزا صادق خان ادیب‌الممالک فراهانی که در اشعار تخلص امیری داشته است از نوادگان میرزا عیسی قائم‌مقام اول است. از شعرای قصیده‌گوی و بزرگ دوره قاجاریه است. شرح حال او در دیوان اشعارش که به کوشش وحید دستگردی در آبان‌ماه ۱۳۱۲ شمسی انتشار یافته، مندرج است و به‌علاوه خلاصه‌ای از شرح احوالش در جلد دوم کتاب شرح حال رجال ایران (بامداد، ۱۳۷۱: ۱۵۹) نوشته شده است.

وحید دستگردی در دیباچه کتاب درباره ادیب‌الممالک می‌نویسد: «ادیب‌الممالک بر تمام معاصران خود بدون استثناء در شعر و شاعری مقدم است و نسبت آنان با وی نسبت قطره به دریا و نری با ثریا است؛ بلکه در دوره تجدید حیات ادبی که از نشاط اصفهانی آغاز و به ادیب‌الممالک ختم می‌شود، پس از حکیم قآنی و سروش و یکی دو نفر دیگر بر تمام شعرا برتری و تفوق دارد. در علوم ادب و لغت فارسی و تازی متبّع و استاد بوده است. ادیب‌الممالک دارای تألیفاتی به شرح زیر است:

صیقل المرآت در جغرافیا؛ سماء الدنیا در هیئت جدید؛ تابش مهر؛ فلک المشحون؛ تحفة الوالی در عروض.

ادیب‌الممالک عصر مشروطیت را درک کرده است و قصایدی در این زمینه دارد. مدتی روزنامه ادب را در تبریز انتشار می‌داده است و پس از آن در تهران مدتی سردبیر روزنامه مجلس بوده است (افضل الملک، بی‌تا: ۵۵).

در کتاب «سفرنامه خراسان و کرمان» درباره میرزا صادق ادیب‌الممالک چنین آمده است:

پس از مرتضی قلیخان ابن مرحوم میرزا علی محمد خان نظام‌الدوله ابن حاجی محمد حسین خان صدر اصفهانی و پس از شیخ محمود معرب پسر آقا ابوالقاسم خبّاز که از علمای تهران بود، دیگر هیچ‌یک از ادبا و فضلاهی عجم را ندیده بودم

که به خوبی جناب ادیب الممالک شعر عرب انشاء کرده باشد... مسافرت و سیاحت های ایشان به داخله و خارجه ایران فزون تر از این است که بتوان مشروحاً نگاشت. در روسیه و اسلامبول و مملکت افغانستان از مردمان سیاسی دوستان دارند و اخذ معانی کرده اند. در هیچ جا غریب نیستند. در ایام ولایت عهد اعلی حضرت اقدس مظفری سمت پیش خدمتی داشته و مقرب درگاه بودند. چون زمان ولایت عهد تبدیل به سلطنت شد، ایشان از آذربایجان به تهران آمدند و چندی در تهران به راحتی زندگانی کردند و در سلطنت مظفریه لقب ادیب الممالک یافتند. وقتی خیال ایشان مجسم شد که در تهران نمانند، در مشهد مقدس رفته آنجا معجور شدند. چون با اهل و عیال به آنجا رفتند محض ترویج علم و اشاعه هنر و تربیت بعضی از نفوس، روزنامه «ادب» را احداث کرده مطبوعه مطبوعه ای در آنجا دایر ساختند. علم پلطیک و سیاسی را به واسطه این روزنامه منتشر ساختند. با آنکه در خراسان چندان اسباب ترجمه و مطبوعه و تربیت اجزاء مناسب در کار نبود ایشان طوری این عمل را اداره کردند که اسباب حیرت جماعتی از خواص شد. الحق روزنامه ایشان محل اعتنا و اعتماد خارجه و داخله گشت. ایشان علاوه بر کامل بودن ادبیات عجم و عرب در اصطلاح دانی خارجه و بعضی عجایب و غرایب دانستن استادی ماهر و دانشمندی قاهر هستند. ایشان را نقصانی و عجزی در کار نیست. الآن در خراسان به واسطه انتشار روزنامه ادب اداره منظم و اجزائی معین و عایدات خوب دارند. ایالت خراسان و حکام آن سامان کمال مهر را به ایشان دارند، و در خراسان کارشان نیکو از پیش رفته است. در ایامی که در این شهر چند مجلس با ایشان مجالست داشتم از عربی و فارسی خود ابیاتی برای من خواندند (افضل الملک، بی تا: ۵۶-۵۷).



تصویر شماره ۷
ادیب الممالک

۵. وقف‌نامه‌های خاندان قائم‌مقام

از خیرانی که توفیق عمل به سنت وقف داشته‌اند، خاندان قائم‌مقام فراهانی در تبریز می‌باشند. میرزا موسی بن عیسی فراهانی و خواهرش حاجیه تاج ماه بیگم معروف به حاجی عمه، قریب به دویست سال پیش برخی از اموال و زمین‌های خویش را وقف بر فقرا و مستمندان، خرج و مخارج ازدواج جوانان بی‌بضاعت، حافظان و قاریان قرآن، حرم امام رضا+، حرم امام حسین+، بارگاه امامان کاظمین و سامرا، و... کردند.

موقوفات خاندان قائم‌مقام گسترده بوده و قسمت اعظم آن در تبریز و بخشی نیز در مشهد مقدس می‌باشد. در کتاب «صدرالتواریخ» دربارهٔ منافع حاصل از این موقوفات آمده است که: «از حاصل موقوفات خاندان قائم‌مقام در سال، دو هزار تومان باید به عتبات عالیات برود و چند هزار تومان هم باید به مصارف دیگر برسد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۱۴۶؛ به نقل از: ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۶: ۵۴۶). این آمار مربوط به دورهٔ قاجار است.

اراضی قائم‌مقام فراهانی در حومهٔ تبریز وسعتی بالغ بر ۳۸ هزار هکتار دارد و از آن زمین‌هایی است که حرف‌وحدیث‌های فراوانی ایجاد کرده است حتی در تاریخ آمده است که اختلاف و کدورتی بین شیخ فضل‌الله نوری و سیدعبدالله بهبهانی بر سر آن موقوفات بوده است. در خبرگزاری فارس از قول مدیر کل اوقاف و امور خیریهٔ آذربایجان شرقی (حجت‌الاسلام حسین نوبری) در تاریخ ۱۳۸۹/۰۳/۱۲ چنین آمده است:

«پروندهٔ رسیدگی به موقوفات قائم‌مقام فراهانی حالتی سیاسی و پیچیده یافته است. این املاک وقفی در زمینی به وسعت ۸۰۰ هکتار از اراضی مابین تبریز و صوفیان را شامل می‌شود و یک پروندهٔ سنگین از لحاظ قضایی است. احکام صادره در مورد املاک قائم‌مقام فراهانی برخلاف نظر فقهی امام و رهبری و مراجع عظام تقلید است و ما به دنبال صدور حکم تجدیدنظر هستیم. در حال حاضر ۳۰۰ پرونده در دادگستری استان نسبت به طرح دعوی در مورد املاک قائم‌مقام فراهانی تشکیل شده است و پیش‌بینی می‌شود با ادامهٔ روند موجود این پرونده‌ها به ۵ هزار پرونده نیز برسد. در صدور حکم دادگاهی که منجر به محکومیت ادارهٔ اوقاف و امور خیریه شد برخی تعصبات منطقه‌ای دخالت داشته است. شخصی که این حکم را صادر کرده است در منطقهٔ مذکور مسئولیت داشته و صدور حکم بی‌ارتباط با این تعلق نبوده است. برخی مسئولان مصاحبه‌هایی در مورد این پرونده داشته‌اند که برخلاف نظر امام خمینی & رهبری بوده است. اسناد مربوط به وقف این املاک موجود است و استدلالی که در راستای وقفی نبودن این املاک صورت می‌گیرد صحیح نیست و وقف‌نامه دست‌نوشته و مورد تأیید علمای ۲۰۰ سال پیش از جمله ملاحسین علی‌کنی و شیخ‌الاهین بوده است. در صدور حکم، نظر کارشناسی آستان قدس رضوی نیز در نظر گرفته نشده است و امیدواریم این پرونده در مسیر درست قرار گیرد».

برخی از وقف‌نامه‌های این خاندان خوانش و احیا شده و در منبع ذیل معرفی و بررسی شده‌اند:

قبریان، علی و عبدلی آشتیانی، اسدالله، چهار وقف‌نامه از خاندان قائم‌مقام فراهانی، نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، بیست و یک گفتار درباره نسخه‌های خطی، دفتر پانزدهم، زیرنظر: رسول جعفریان، قم، ناشر: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران با همکاری نشر مورخ و نشریه پژوهش‌های نسخه‌شناسی، پاییز ۱۳۹۸، چ اول، ص ۱۷۷-۲۵۸.

۶. نخبه‌پروری

به هر صورت خانواده قائم‌مقام فراهانی را باید بی‌تردید از دودمان‌های خوشنام ایران عصر قاجار دانست به‌ویژه که سهم میرزا ابوالقاسم و پدرش میرزا عیسی [دوم] در تاریخ ایران بسیار است و در حقیقت قسمت بزرگی از ترقیات در زمینه‌های مختلف که در آن زمان نصیب ایران گردید مرهون زحمات، موقع‌شناسی و تدابیر این دو مرد ارزنده تاریخ ایران بوده است (نجمی، ۱۳۳۶: ۱۹). آنها با به‌کارگیری افراد شایسته و لایق، همواره در مأموریت‌هایشان موفق ظاهر می‌شدند به‌طوری‌که در این‌باره نوشته‌اند، چون مناطق فراهان، تفرش، آشتیان و گرگان کانون واحد فرهنگ دیوانی و اهل قلم و نواحی مستوفی پرور بودند، (آدمیت، ۱۳۶۲: ۱۹) لذا وزیران برخاسته از این خاندان در زمان وزارتشان در تبریز که مرکز ثقل سیاست ایران در دوران ولیعهدی عباس میرزا بود، عده‌ای از منشیان، مستوفیان و رعایای آشتیانی و فراهانی را در آنجا گرد آورده بودند (آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۹-۳۰).

حُسنِ تدبیر، خردمندی، و کیفیتِ نخبه‌پروری آنها چنان بود که نه تنها توان آموختن به سرداران و صاحب‌منصبان، بلکه قُوّه تشخیص و یافتن شایستگان در اقشار فرودست جامعه را نیز داشتند و از آن مهم‌تر اینکه دانش‌آموختگانِ مکتبِ خود را تا بالاترین جایگاه‌های اجتماعی رشد می‌دادند. به‌عنوان نمونه، عباس میرزا نایب‌السلطنه و میرزا محمدتقی خان امیرکبیر که از دو سرِ طیفِ جامعه بودند، (یکی شاهزاده و دیگری آشپززاده) هر دو دست‌پروردگانِ بزرگانِ این خانواده هستند. عباس میرزا نایب‌السلطنه قهرمان اصلی جنگ‌های عظیم ایران و روس، با کفایت‌ترین، دلیرترین، لایق‌ترین و میهن‌دوست‌ترین شخصیت خاندان قاجار (نجمی، ۱۳۳۶: ۵)، روشن‌اندیشی، تقوا، پاکدامنی، گرایش به روابط با دنیای بیرون و ترقی و تعالی‌خواهی کشور و دیگر امتیازاتی که برایش برشمرده‌اند را جملگی از تعالیمش نزد میرزا بزرگ [میرزا عیسی دوم / قائم‌مقام اول] به‌دست آورده بود زیرا مربی و آموزگار عباس میرزا در سنین نوجوانی، همین میرزا عیسی [دوم] بود که وظیفه تعلیم و تربیت او را بر عهده داشت (احمدپناهی، ۱۳۷۶: ۵۷-۵۸).

همچنین میرزا ابوالقاسم فراهانی نیز توانست یکی از مفیدترین و شایسته‌ترین فرزندان حقیقی ایران، یعنی میرزا تقی خان امیرکبیر را مستقیماً تحت تعلیمات عالیّه و آموزش صحیح خود قرار داده و به جامعه ایرانی و تاریخ ایران تقدیم کند (نجمی، ۱۳۳۶: ۱۷). در حقیقت میرزا ابوالقاسم نه تنها مربی و آموزگار پسران ولیعهد بود، بلکه امیرکبیر را در میان فرزندان و برادرزادگان خود بزرگ کرد (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۰). این نکته که این خانواده به دلیل حُسنِ جایگاه تربیتی‌شان مأمور به پروردن شاهزادگان درباری شده‌اند امری است معمول که همواره پادشاهان بهترین مریبان را برای اولادشان برمی‌گزیدند، اما تربیت اولاد فرودستان از سوی بزرگ‌زادگان نکته‌ای است قابل تأمل و آن این است که در نظام اجتماعی

ایران، سنتی کهن بود که طبقه خواص و اعیان و توانگران در سرپرستی گماشتگان و وابستگان خود، نوعی تعهد و مسئولیت می‌شناختند. خانه‌زادان را به چشم فرزندی نگاه می‌کردند، و هرگاه در میانشان اطفال زیرکی می‌یافتند آزادوار به تربیتشان برمی‌آمدند و آنان را با اولاد خویش، نزد معلم سرخانه به درس خواندن می‌گماشتند. تبعیض روا نمی‌داشتند. آن بنیاد اجتماعی که از خصوصیات نظام شبه‌فئودالیسم ایرانی بود، فرصتی فراهم می‌کرد که برخی فرزندان طبقه پیشه‌ور و «اواسط‌الناس»، جوهر ذاتی خویش را بروز دهند و در رده‌های اجتماعی پایگاه برتری جویند. پس شگفت نیست که بسیاری از افراد طبقه نخبگان، پسران همان خدمتگزاران باشند و برکشیدگان مخدومان خود. نمونه تمام‌عیار آنها همانا امیرکبیر است که در شخصیت او میراث تربیت میرزای بزرگ و میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی آشکار است (آدمیت، ۱۳۶۲: ۱۹). که محیط خصوصی تربیت وی را دستگاه آن دو وزیر بزرگ عباس میرزا ساخته بود (آدمیت، ۱۳۶۲: ۱۹).

میرزا تقی خان امیرکبیر که اهل فراهان و دست‌پرورده خاندان قائم‌مقام فراهانی است، (آدمیت، ۱۳۶۲: ۱۹) خانواده پدری‌اش از طبقه پیشه‌ور بودند. پدر وی کربلایی محمدقربان، ابتدا آشپز میرزا عیسی [دوم] (میرزا بزرگ) یا همان قائم‌مقام اول بود که پس از درگذشت وی، همین شغل را در دستگاه پسرش میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام دوم داشت (آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۰). کربلایی قربان بعدها ناظر و در واقع ریش سفید خانه قائم‌مقام گردید و همیشه مورد لطف مخدوم خود بود. مادر میرزا تقی خان امیرکبیر نیز فاطمه یا فاطمه‌سلطان، دختر استاد شاه محمد بنا، اهل فراهان بود. استاد شاه محمد بنا انجام کارهای اختصاصی خانواده قائم‌مقام را بر عهده داشت (آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۱).

نتیجه‌گیری

خاندان قائم‌مقام فراهانی از خاندان‌های مشهور در ایران بوده و دارای چهره‌های علمی و حکومتی هستند. در این مقاله برخی از ابعاد زندگانی شخصیت‌های برجسته این خاندان توصیف شده است. همچنین به فرضیه ارتباط نسبی این خاندان با خاندان وزیري تفرش، با ارائه ادله و مدارک اشاره شده است. برخی از ویژگی‌های این خاندان عبارت است از: توجه به علم و فرهنگ در کنار حکمرانی و زمامداری؛ شناسایی نخبگان و تربیت آن‌ها؛ توجه به امور خیر و وقف اموال.

منابع

- آدمیت، فریدون، (۱۳۶۲)، امیرکبیر و ایران، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چ ۷.
- احمدپناهی، محمد (۱۳۷۶)، قائم‌مقام فراهانی؛ چهره درخشان ادب و سیاست، تهران: ندا.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۹۵)، اکسیرالتواریخ: تاریخ قاجاریه از آغاز تا سال ۱۲۵۹ ه.ق، به اهتمام: جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۷ ش)، صدرالتواریخ، محقق و مصحح: محمد مشیری، تهران: روزبهان، چ ۲.
- افضل الملک، غلامحسین (بی‌تا). سفرنامه خراسان و کرمان، به اهتمام: قدرت‌الله روشنی، زعفرانلو، تهران: توس.

بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، شرح حال رجال ایران، تهران: زوار.

جلالی، غلامرضا (۱۳۸۷)، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، جلد سوم: صاحب‌منصبان و واقفان آستان قدس رضوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی گروه تراجم و انساب.

حضرتی آشتیانی، صادق (۱۳۸۲)، رجال و مشاهیر آشتیان، قم: الماس.

حضرتی آشتیانی، صادق (۱۳۹۹)، یاد و یادگار: گزیده تاریخ فرهنگ، و زندگی‌نامه نخبگان و مشاهیر آشتیان، تهران: کمال اندیشه.

رمضانی، عباس (۱۳۸۲)، قائم‌مقام فراهانی، تهران: ترفند.

ساسانی، خان ملک (بی‌تا)، سیاستگران دوره قاجار، تهران: بابک با همکاری انتشارات هدایت.

سحاب، ابوالقاسم (۱۳۲۸)، تاریخ عصر جعفری یا زندگانی امام جعفر صادق (ع)، تهران: کتابفروشی و چاپخانه دانش.

سمنانی، پناهی، قائم‌مقام فراهانی (۱۳۷۶)، تهران: ندا، چ اول.

سوهانیان حقیقی، محمد و نقدی، رضا (۱۳۹۷ش)، آستان قدس رضوی: متولیان و نایب‌التولیه‌ها، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی گروه فرهنگ و سیره رضوی، چ اول.

شهبازی، داریوش (۱۳۹۷)، روایتی از تهران قدیم، ج ۱، تهران، انتشارات سایه‌بان هنر، چ اول.

شهیدی، حسین (۱۳۸۳ش)، سرگذشت تهران، تهران: راه‌مانا، چ اول.

قنبریان، علی و عبدلی آشتیانی، اسدالله، چهار وقف‌نامه از خاندان قائم‌مقام فراهانی، نشریه کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، بیست و یک گفتار درباره نسخه‌های خطی، دفتر پانزدهم، زیرنظر: رسول جعفریان، قم، ناشر: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران با همکاری نشر مورخ و نشریه پژوهش‌های نسخه‌شناسی، پاییز ۱۳۹۸.

مشرعی، فریناز، پیام بهارستان، «نسب‌نامه قائم‌مقام»، ۲، ۱، ۲، ۱، ش ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۸.

محدث‌زاده، حسین و عباسی، حبیب‌الله، (۱۳۸۴)، اثر آفرینان، ج ۴، زیر نظر: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ ۲.

مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۱ش)، برگی از تاریخ قزوین، قم، ناشر: کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.

ناظم الاسلام کرمانی، محمدبن علی (۱۳۷۶)، تاریخ بیداری ایرانیان، به اهتمام: علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: نشر پیکان.

نجمی، ناصر، (۱۳۳۶)، ایران در میان طوفان، بی‌جا: کانون معرفت.

هدایت، رضا قلی‌خان (۱۳۷۳ش)، فهرس التواریخ، محقق و مصحح: عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.